

تأثیر ژئوکالچر شیعه بر نظم منطقه‌ای مطالعه و جامعه موردی: راهپیمایی اربعین

رضا رحمتی^{۱*}

سیده کوثر جعفری^۲

حسن رحیمی روشن^۳

چکیده

هدف: این نوشتار به دنبال تحلیل ژئوکالچر پدیده راهپیمایی اربعین است. بسیاری از تحلیل‌ها پیرامون مسائل مربوط به جهان اسلام به تبیین مسائل ژئوپلیتیک برمی‌گردد. اندکی از تحلیل‌ها با پشتوانه تحلیل هویتی و فرهنگی مسائل جهان اسلام را تبیین کرده‌اند، با این حال مسئله «تحلیل‌های ژئوکالچر» در مدت‌زمانی طولانی به دلایل متعدد، مورد اهمال واقع شده است. اما امروزه ضرورت بازگشت تحلیل‌های فرهنگی و هویتی اجتناب ناپذیر است. راهپیمایی اربعین یکی از پدیده‌های اجتماعی است که با تحلیل ژئوپلیتیک نمی‌توان و نباید آن را تشریح کرد و ضرورت توجه به نگاه گفتمانی یا بین‌الذنه‌ای برای تحلیل آن وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش: جامعه آماری و شاخص‌های پژوهش، با استفاده از روش‌های کمی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی میدانی است.

یافته‌ها: پژوهش تلاش می‌کند با تمرکز بر روی چرایی و چگونگی تأثیرگذاری راه پیمایی اربعین، بر شکل‌گیری ژئوکالچر شیعه، ضرورت توجه به عوامل و عناصری که تأثیرگذاری فرهنگ بر گروه هویتی مورد مطالعه با آنها میسر می‌شود و علل تأسیسی ژئوکالچر را مورد بررسی قرار دهد.

نتیجه‌گیری: اگرچه تحلیل‌های ژئوپلیتیک از اهمیت بسیار زیادی در تبیین رخداد‌های بین‌المللی دارند، اما به واسطه کم توجهی به پدیده‌های فرهنگی، بخشی از مناسبات بین‌المللی را مورد توجه قرار نمی‌دهند. بر اساس یافته‌های پژوهش افزایش همبستگی بین‌المللی در بخش فرهنگی نیروهای اجتماعی در آینده محتمل بنظر می‌رسد که این وحدت اگر با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه شود سبب دوام جغرافیای فرهنگی گروه‌های اجتماعی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ژئوکالچر، هویت‌گرایی، نظم منطقه‌ای، راهپیمایی اربعین.

Email: r.rahmati@basu.ac.ir

۱- استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه

بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: sk.jafari74@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان

Email: h.rahimiroushan@basu.ac.ir

۳- استادیار علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱

مقدمه

ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی فرایند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابجایی در جریان زمان و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین هستند. به عبارت دیگر ژئوکالچر ترکیبی از فرایندهای مکانی - فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران متنوع و بی‌شماری است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیط یکپارچه اکولوژی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بشر به نقش‌آفرینی پرداخته و در تعامل دائمی با یکدیگر بسر می‌برند و بر اثر همین تعامل مداوم است که در هر زمان چشم‌انداز فرهنگی ویژه‌ای در جهان خلق می‌شود. از این رو ساختار ژئوکالچر جهانی بیانگر موزائیکی از نواحی فرهنگی کوچک و بزرگی است که محصول تعامل‌های مکانی - فضایی قدرت(های) فرهنگی هستند که در طول و به موازات یکدیگر حرکت می‌کنند (حیدری، ۲۰۰۵: ۹۵-۹۴).

در ادبیات جغرافیای سیاسی، ژئوکالچر آن جایی شروع می‌شود که ژئوکالچر آن را منطقه غیرقابل بررسی قلمداد می‌کند. در سیاست بین‌الملل نیز، بررسی نقش و تأثیر عنصر فرهنگ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت دادن به فرهنگ، زبان، جنسیت، قومیت و مذهب کمتر به اندازه عنصر «قدرت» و «جغرافیا» مورد توجه قرار گرفته است. ورود فرهنگ به ادبیات روابط بین‌الملل با آثار پیتر جی. کتزشتاین و اثر معروف فرهنگ/امنیت ملی برجستگی یافته است. علاوه بر این جفری تی. چکل، ریچارد ند لیبو، (تا حدودی و البته با نگاه سیستمی) الکساندر ونت، از جمله مهم‌ترین متفکران روابط بین‌الملل بوده‌اند که بر نقش عناصر ذهنی، انگاره‌ای، هنجاری و رفتاری در شکل‌گیری مناسبات و قواعد بین‌المللی توجه داشته‌اند. برای نمونه والرشترین بر آن است که کشمکش‌های بین‌المللی دیگر صرفاً ابعاد نظامی ندارند بلکه، واجد ابعاد فرهنگی و معنوی نیز دارند. والرشترین «ژئوکالچر را زیر بنای ژئوپلیتیک» قلمداد می‌کند و در کتاب خود از «هویت‌های ملی و جهانی»، «فرهنگ، رزمگاه ایدئولوژیک نظام نوین جهانی»، و... صحبت می‌کند (والریستین، ۱۹۹۲). در این ادبیات همان طور که عوامل جغرافیایی در فرایندهای سیاسی نقش داشته و مفهوم قدرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به همان ترتیب مقوله فرهنگ را نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر ساخته و از آن تأثیر می‌گیرند (حیدری، ۲۰۰۵: ۹۴).

امروزه با اهمیت دادن به مقوله فرهنگ، نیروهای اجتماعی، به نوعی از بسیج اجتماعی می‌پردازند که مبتنی بر هویت‌های جمعی است و توانسته‌اند با همبستگی، جنبش‌های نوین فراملی را رقم بزنند. این جنبش‌ها، بر جنبه‌هایی نظیر فرهنگ، شیوه زندگی، ارتباطات و هویت جمعی تأکید دارد. شکل‌گیری نیروهای اجتماعی فرهنگی و توانی که این نیروها برای تأثیرگذاری بر رویدادهای سیاسی و بین‌المللی دارند، موضوعی است که به‌صورت موردی بهتر می‌توان در خصوص آن تمرکز داشت. پدیده راهپیمایی اربعین به‌عنوان یک جنبش فراملی، بر هویت جمعی فرهنگی و مذهبی استوار شده است. وجود شکاف‌های متعدد فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام سبب تقویت عناصر واگرایی شده است. به همین ترتیب همبستگی در زیرسیستم ژئوکالچر شیعه نیز طی سال‌های زیادی مورد اهمال واقع شده است. با این حال ضرورت تمرکز بر فرهنگ

و هویت با پدیده‌های اجتماعی بیشتر قابل تمرکز است. به عبارت بهتر با نگاه پدیدارشناسانه و مطالعه یک رویداد بین‌المللی، می‌توان تأثیر آن را مورد بررسی قرار داد. توجه به رابطه بین ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و راهپیمایی اربعین در سال‌های اخیر (اگرچه به صورت بسیار محدود) مورد توجه قرار گرفته است. مقاله «بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه (با تأکید بر راهپیمایی اربعین)» (محمدی و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۰۳-۱۲۰)؛ از جمله آثاری است که بر تأثیر بین‌المللی و منطقه‌ای این پدیده تمرکز داشته است. با توجه به این مسائل، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چرا راهپیمایی اربعین سبب شکل‌گیری ژئوکالچر شیعه شده است. در پاسخ به این سؤال، فرضیه پژوهش حاضر این است که راهپیمایی اربعین می‌تواند همبستگی فراملی و حوزه ژئوکالچر شیعه را بازسازی کند. روش پژوهش حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع پیمایشی میدانی است.

این پژوهش ابتدا سعی می‌کند تا چارچوب نظری ژئوکالچر را بررسی کند، سپس، به راهپیمایی اربعین، به‌عنوان یکی از بسترهای شکل‌گیری ژئوکالچر شیعه می‌پردازد، بعد از آن، یافته‌های پژوهش را به صورت کمی و آماری و با استفاده از روش تحلیل آماری SPSS بیان می‌کند و نهایتاً در یک نتیجه‌گیری، مجدداً استدلال پژوهش را بازروایی می‌کند.

چارچوب مفهومی و نظری

مفهوم‌شناسی

ژئوپلیتیک

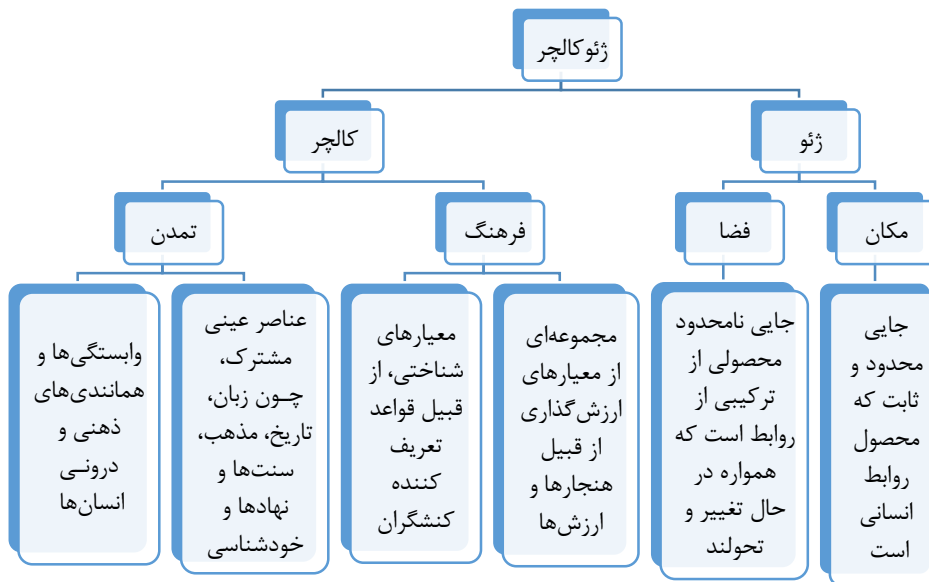
در مکاتب نظری مانند مکتب انگلیسی، آلمانی، آمریکایی و انتقادی تعاریف مختلفی از ژئوپلیتیک ارائه شده است. مکتب ژئوپلیتیک در جریان اصلی خود بر اساس تئوری مکیندر که آسیای مرکزی را به‌عنوان سرزمین قلب در نظر می‌گیرد و بر توازن قدرت به اشکال مختلف در دوره‌های مختلف تکیه دارد، بنیان‌گذاری شده است. مکتب آلمانی نیز با اینکه بر نقش قدرت متکی است، برای مناطق متحد، پایه ایدئولوژیک نیز در نظر می‌گیرد. مکتب آمریکایی نیز با رد مدل سرزمین قلب - حاشیه‌ای مکیندر، تصویر سیاسی جهان را بر اساس مناطق ژئواستراتژیک که نماینده نوع ویژه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها در بخش بزرگی از جهان است، طراحی شده است و در این پارادایم، ژئوپلیتیک به بخش‌های جغرافیایی کوچک‌تر در مناطق ژئواستراتژیک اطلاق می‌شود. این مکتب نیز قدرت را هسته مرکزی استدلال خود قرار می‌دهد. علاوه بر این نقاط تمرکز که به جریان اصلی ژئوپلیتیک مشهور هستند، مکتب انتقادی قرار دارد. برخلاف مکاتب انگلیسی، آلمانی و آمریکایی از سنت واقع‌گرایی که بر روابط عینی و مادی تأکید دارد و اصل نظم دهنده به نظام بین‌الملل را اصل توازن قوا می‌داند، مکتب انتقادی، در موضوع ژئوپلیتیک از ابزار تحلیل گفتمان بهره می‌برد که منظور از گفتمان مجموعه‌ای از منابع فرهنگی و اجتماعی است که توسط مردم در ساخت معانی در مورد جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اینجا ژئوپلیتیک دولت‌ها را به‌عنوان یک واقعیت بین‌المللی ثابت در نظر نمی‌گیرد، بلکه بر رویه اشخاص در دولت‌ها تأکید دارد و همین‌طور، به جای مفهوم مکان به‌عنوان جای

مشخص و مرزپذیر، مفهوم فضا به معنی همه‌جایی و نامتناهی و سیال را در مرکز توجه قرار می‌دهد (قاسمی، ۲۰۱۵: ۴۱-۳۱). این مفاهیم اخیراً با مطالعات مربوط به ژئواکونومی، ژئوکالچر و ژئوپاور وارد ادبیات سیاسی جدید شده است (رحمتی، ۲۰۲۰: ۱۶۱-۱۷۰). بنابراین هرچه از مناظره‌های اصلی روابط بین‌الملل فاصله می‌گیریم، رنگ و بوی متغیرهای فرهنگی و اجتماعی در ترسیم کردن مختصات بین‌المللی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و ژئوپلیتیک، یعنی همان عنصر سرسخت وابسته به ذات قدرت و منافع ملی، بیشتر واجد ویژگی‌های گفتمانی می‌شود و بیشتر ماهیت/اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پیدا می‌کند، نامتناهی و سیال و همه‌جایی می‌شود و نسبت به عنصر جغرافیایی مرکزگرای می‌شود.

ژئوکالچر

برای بررسی وضعیت ژئوکالچر، بایستی اقسام این مفهوم را بررسی کرد. واژه ژئو به معنی جغرافیا است که توضیح آن مستلزم پرداختن به دو مفهوم کلیدی مکان و فضا است. واژه مکان به معنی جایی است که محصول روابط انسانی است، محلی است که روابط انسانی در آن شکل گرفته، تداوم یافته و هویت ویژه‌ای می‌یابد. مکان، کانون همه فعالیت‌های بشری محسوب می‌شود و هویت‌های فردی و اجتماعی مردم، همواره از مکان و ویژگی‌های آن مایه می‌گیرد. فضای جغرافیایی محصولی از ترکیب مجموعه‌ای از مناسبات و روابط است که همواره در حال تغییر و تحول هستند. این مناسبات و روابط در خلاء شکل نگرفته‌اند بلکه در یک محیط انسانی موجودیت یافته‌اند (حیدری، ۲۰۰۵: ۹۹-۹۶).

با این حال آن‌چه مشخص است این است که دخالت عناصر گفتمانی و فرهنگی در تأسیس مفهوم شناسی ژئوکالچر از اهمیت بسیاری برخوردار است. فرهنگ و تمدن، دو عنصر بسیار مهم از ژئوکالچر محسوب می‌شوند. فرهنگ هم به مجموعه‌ای از معیارهای ارزش‌گذاری از قبیل هنجارها و ارزش‌ها و هم به معیارهای شناختی، از قبیل قواعد یا الگوهایی که تعریف می‌کنند چه موجودیت‌ها یا کنشگرانی در یک نظام وجود دارند و چگونه آنها انجام وظیفه می‌کنند و باهم ارتباط دارند، اطلاق می‌شود (کتزشتاین، ۲۰۱۱: ۹۱). تمدن، به عالی‌ترین سطح اجتماع فرهنگی بشر اطلاق می‌شود. تمدن شدیداً وابسته به عناصر عینی مشترک، مثل تاریخ، زبان، مذهب، سنت‌ها و نهادها، همانندی‌های ذهنی و درونی انسان‌ها است. در رابطه با ارتباط فرهنگ و تمدن می‌توان گفت که براساس تعریف فرهنگ که عبارتست از «طرز رفتارها چه در مقیاس فرد چه در مقیاس جمع»، تمدن، فرهنگ‌ساز است نه اینکه خودش فرهنگ باشد، گرچه از یک هسته فرهنگی اولیه تشکیل شده باشد. فرهنگ را مجموعه‌ای از الگوهای معنایی می‌سازند و این الگوهای معنایی خود ساختار کلان‌تر معنایی (تمدن) را می‌سازند. بنابراین رابطه بین فرهنگ و تمدن رابطه هم‌کنشی است.



نمودار ۱: ژئوکالچر و انقسام‌های آن

چارچوب نظری

فرهنگ و هویت امروزه به‌عنوان موضوعی چالش‌برانگیز در سیاست بین‌الملل مطرح است. نظریه‌های مختلف در سیاست بین‌الملل وجود دارند که رویکرد هر کدام نسبت به ساختار و نوع روابط بین‌الملل و به‌ویژه اهمیت مقوله فرهنگ و ساختارهای هنجاری متفاوت است. این تفاوت ناشی از دو نوع نگاه در دو مکتب در اندیشه سیاسی نوین است که یکی نگاهش به ماهیت انسان، مثبت است و معتقد به نیک‌سرشتی وجود انسان و امکان تحقق نظم سیاسی اخلاقی و عقلانی است و دیگری معتقد به ناقص‌بودن سرشت انسان است این دیدگاه جهان را ذاتاً دارای منافع متعارض می‌داند که امکان تحقق اصول اخلاقی در آن به‌طور کامل وجود ندارد. رویکرد مکتب اول انتزاعی و هدف آن تحقق خیرمطلق و رویکرد مکتب دوم تجارب تاریخی و عینی و هدف آن تحقق شر کمتر است.

یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل که از مکتب دوم نشأت گرفته *واقع‌گرایی* است. هانس جی. مورگنتا (Morgenthau) به‌عنوان نظریه‌پرداز واقع‌گرایی کلاسیک بر آن است که سیاست تلاشی بی‌پایان برای رسیدن به قدرت است که ریشه در ماهیت بشر دارد. یکی از اصول مبانی فکری او مفهوم منافع در چارچوب قدرت است که بدون این مفهوم امکان تشخیص واقعیات سیاسی از واقعیات غیرسیاسی وجود ندارد (مورگنتا، ۲۰۱۰: ۴). این مفهوم در چارچوب قدرت، نظم فکری را تحمیل می‌کند که با ایجاد این نظم فکری، برای

۱. نمودار به وسیله نویسندگان ترسیم شده است.

بازیگر بین‌الملل، صرف نظر از انگیزه‌های دولتمردان، می‌توان سیاست خارجی آنان را عقلانی و منسجم تلقی کرد (مورگنتا، ۲۰۱۰: ۹-۴). پس مورگنتا نسبت به اهمیت انگیزه‌ها و اولویت‌های ایدئولوژیک بی‌اعتناست. از نظر وی آنچه بر رفتارهای انسان حاکم است منافع مادی است و نه آرمان‌ها. اصول دیگری که وی به آن معتقد است تلاش برای دستیابی به منافع در قالب قدرت و جدایی اخلاق از سیاست است که در مورد اخیر ای. اچ کار نیز که متفکر واقع‌گرای تاریخی است به آن اذعان دارد و به شکل‌گیری نظم نوین بین‌الملل براساس واقعیات مربوط به قدرت جهانی و نه اخلاق معتقد است (قاسمی، ۲۰۲۰: ۷۷).

بر طبق اصول مذکور واقع‌گرایی، دولت‌ها را بازیگران عرصه بین‌الملل می‌داند که در حوزه داخلی دارای اقتدار اما در حوزه بین‌الملل فاقد اقتدار هستند و در یک ساختار آنارشیک به سر می‌برند. بر این اساس عرصه بین‌الملل از دولت‌ها به‌عنوان کنش‌گران تشکیل شده که بر اساس منافع و به‌صورت عقلانی عمل می‌کنند و عناصر درونی آنها از کارکرد مستقلی در صحنه روابط بین‌الملل برخوردار نیست. کنش‌های متقابل هم درون این سیستم فقط ماهیت سیاسی دارد که قواعد حاکم بر آن براساس قدرت تعریف می‌شود و به مسئله هویت‌ها و هنجارها بی‌اعتناست.

قدرت‌طلبی دولت‌ها از دید مورگنتا ریشه در ذات ناقص انسان دارد در حالی که نوواقع‌گرایان از جمله والتز ساختار آنارشیک بین‌الملل را مهم‌ترین عامل قدرت‌طلبی دولت‌ها تلقی می‌کنند که این ساختار آنارشیک، خود را بر کنش‌گران تحمیل می‌کند (مشیرزاده، ۲۰۱۲). این ساختار، به علت فقدان اقتدار فراگیری که رفتار دولت‌ها را نسبت به یکدیگر تنظیم کند، مانع پیشبرد آرمان‌های اخلاقی دولت‌ها می‌شود و باعث می‌شود که دولت‌ها در ورطه کشمکش برای قدرت بیفتند.

دیدگاه لیبرالی (در حوزه روابط بین‌الملل) این نوع نگاه را که از بیرون به درون است، رد می‌کند. از دیدگاه لیبرالی، پذیرش اصول مشروعیت در نظم‌های سیاسی داخلی زیربنای رویکرد از درون به بیرون به روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد چون در این حیطة می‌توان رفتار دولت‌ها را با بررسی عوامل درونی آنها تبیین کرد (برچیل، ۲۰۱۴: ۸۹-۹۰). بنابراین این دیدگاه برخلاف واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی معتقد است که - کنش‌گران می‌توانند در نظام بین‌الملل بر سیاست‌ها اثر بگذارند اما تأثیرگذاری این کنش‌گران محدود به زمینه اقتصادی و امنیتی می‌شود همان‌طور که صلح دموکراتیک در روابط میان کشورها در کنار تجارت آزاد به‌عنوان وسیله اصلی تولید ثروت، عناصر اصلی برای تأثیرگذاری کنش‌گران بر سیاست بین‌المللی قلمداد می‌شوند.

یکی دیگر از عناصر دیدگاه لیبرالی، فراملی‌گرایی است. فراملی‌گرایی بر اهمیت کنش‌گران غیردولتی مانند شرکت‌های چندملیتی، گروه‌های انقلابی، اهمیت روابط اقتصادی در تعاملات جهانی تأکید دارد. کوهن و نای دو متفکر لیبرال هستند که به روابط فراملی یعنی تماس‌ها، ائتلاف‌ها و مبادلات در ورای مرزهای دولت‌ها توجه دارند. آنها نقش کنش‌گران دولتی را نادیده نمی‌گیرند اما معتقد به رهاکردن دولت‌محوری در روابط بین‌الملل هستند. آنها روابط فراملی را منحصر به منافع گروه‌هایی خاص مانند اغنیا می‌دانند و به هویت کنش‌گران بی‌اعتنا هستند. فرگوسن و منزباخ به‌عنوان ادامه‌دهندگان نظریه فراملی‌گرایی، معتقد به

عبور جهان از روابط میان‌دولتی به عصر پس‌این‌الملل هستند. آنها نسبت به کوهن و نای به هویت اهمیت بیشتری می‌دهند. در جهان پس‌این‌الملل مدنظر آنها، گروه‌های مختلف فراملی فارغ از ملیت و سرزمین خود، هویت‌های جدیدی خلق می‌کنند که بدین ترتیب مرزهای سرزمینی اهمیت خود را از دست داده و مرزهای هویتی شکل می‌گیرد و جای مرزهای سرزمینی را می‌گیرد. با وجود این که رشد فراملی‌گرایی، اصول و ارزش‌های لیبرالی را مورد تهدید قرار می‌دهد اما فرگوسن و منزباخ بر اصول لیبرالی پایبند بوده و بر نقش کارگزار به جای ساختار تأکید دارند (مشیرزاده، ۲۰۱۲: ۳۷-۳۲).

اگر چه نظریه لیبرالی، خصوصاً در قرائت فرگوسن و منزباخ، اولویت هویت، اصول و ارزش‌های لیبرالی را مورد توجه قرار می‌دهند و در این مسیر بر نقش عناصر غیرواقع‌گرایانه تمرکز می‌کنند، اما پژوهش حاضر بدنبال نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که هم بر نقش ساختار بر کارگزار (مانند رویکرد نوواقع‌گرایی) و هم بر نقش کارگزار بر ساختار (مانند رویکرد لیبرالی) توجه داشته باشد و در حقیقت به کنش متقابل کارگزار و ساختار و نقش هویت‌ها روی این کنش تأکید داشته باشد. رهیافتی که قائل به این الگوی کنشی است، نظریه سازه‌انگاری است.

از دو نوع مکتب مذکور در اندیشه سیاسی نوین، سازه‌انگاری از مکتب دوم که معتقد به نیک‌سرشتی انسان و امکان تحقق نظم اخلاقی و عقلانی در جهان است، نشأت می‌گیرد به همین جهت بر روی معرفت و آگاهی انسان و جایگاهش در امور جهان تأکید دارد. برخلاف نوواقع‌گرایان که نگاه مادی دارند و به توزیع مادی قدرت و توانمندی‌های اقتصادی توجه دارند، سازه‌انگاران به بُعد اجتماعی روابط بین‌الملل تأکید دارند. نظریه سازه‌انگاری نظام بین‌الملل را یک مجموعه مادی خارج از معرفت انسانی نمی‌داند بلکه بر ایده‌ها و هنجارهایی که آگاهی‌دهنده کنش‌گران در عرصه بین‌الملل هستند و باعث ایجاد درک مشترک بین آنها می‌شوند تمرکز دارد. نوواقع‌گرایان برآنند که ساختار آنارشی، کنش‌گران را از طریق تعیین عمل آنها محدود می‌کند، اما سازه‌انگاران می‌گویند که درست است که سازه یعنی همان قواعد، بازیگران را محدود می‌کند اما بازیگران نیز می‌توانند از طریق تفکر درباره این قواعد و عمل به آنها به شیوه نو، روی سازه‌ها تأثیر گذاشته و تحول را در آنها رقم بزنند. بنابراین ارتباط میان سازه و بازیگر مستلزم درک بین‌ذهنی است (جکسون، سورنسون، ۲۰۱۵: ۳۲۸-۳۲۹).

این کنش متقابل کارگزار و ساختار در قالب الگوی کنشی صورت می‌گیرد که در گذر زمان هویت‌ساز می‌شود (گریفتیس، اوکلاگان، ۲۰۰۱: ۱۰۲). ونت متفکر سازه‌انگار این الگوی کنشی را به این صورت توضیح می‌دهد که خود براساس برداشتی که از وضعیت دارد نشانه‌ای برای دیگری می‌فرستد و دیگری این نشانه را تفسیر می‌کند و براساس این تفسیر به خود پاسخ می‌دهد و در این تعامل است که فهم بین‌ذهنی صورت می‌گیرد و هویت‌ها شکل می‌گیرند و این هویت به‌عنوان خصوصیت کنش‌گران بین‌المللی کنش و رفتار آنها را شکل می‌دهد و این رفتار بر سیاست بین‌الملل تأثیر می‌گذارد (مشیرزاده، ۲۰۰۴: ۱۲۵).

سازه‌انگاران با نوواقع‌گرایان از آنجا که به هویت اهمیت نمی‌دهند و با لیبرال‌ها از آنجا که کم‌تر به هویت اهمیت می‌دهند همراهی نمی‌کنند. هویت از دید سازه‌انگاری مجموعه معانی است که در همان

فرآیند مذکور در قالب الگوی کنشی، میان کنش‌گران بین‌المللی شکل می‌گیرد. این کنش‌گران با مشارکت در معانی جمعی، هویت کسب می‌کنند و این هویت به‌عنوان خصوصیت کنش‌گران بین‌المللی، گرایش‌های انگیزشی و رفتاری در آنها به‌وجود می‌آورد (مشیرزاده، ۲۰۰۴: ۱۲۵). مثلاً «در عالم انتزاعی اگر ایالات متحده و شوروی تصمیم بگیرند که دیگر دشمن هم نباشند در آن صورت جنگ سرد به پایان می‌رسد. این همان معانی جمعی است که سازه‌ها را برای ساماندهی اقدامات بازیگران فراهم می‌کند و آنها هویت خود را از طریق مشارکت در چنین معانی جمعی می‌یابند» (جکسون و سورنسون، ۲۰۱۵: ۳۳۹).

از نظر ونت این کنش‌گران بین‌المللی که از طریق تعامل با هم هویت کسب می‌کنند، دولت‌ها هستند. وی مانند واقع‌گرایان عواملی مانند فرهنگ سیاسی داخلی را در تأثیرگذاری بر نظام بین‌الملل نادیده می‌گیرد و دولت‌ها را یک کل یک‌پارچه می‌بیند که به‌تنهایی کنش‌گر اصلی در نظام بین‌الملل هستند (رویس اسمیت، ۲۰۱۴: ۲۸۸). اما در این بین رابطه‌ای میان هنجارهای اجتماعی درون دولت‌ها و هویت‌ها و منافع آنها وجود دارد که نظریه‌پرداز دیگر سازه‌انگار به نام کتزنشتاین آن را در مرکز توجه قرار داده است. به نظر وی فرهنگ‌ها و هنجارهای اجتماعی نهادینه ملی بر شکل‌گیری و تعیین رفتار گروه‌های هویتی تأثیر می‌گذارند. کتزنشتاین بر نقش کنش‌گران غیردولتی تأکید دارد اما وی برخلاف لیبرال‌ها علاوه بر این که به عوامل درونی سیاست‌های ملی توجه می‌کند و آن را تعیین‌کننده می‌داند، نقش هنجارهای بین‌المللی را نیز در تنظیم رفتار دولت‌ها نادیده نمی‌گیرد به عبارتی بر کنش متقابل ساختار و کارگزار صحنه می‌گذارد (رویس اسمیت، ۱۳۹۳: ۲۹۰).

از جمله عوامل درونی که اهمیت ویژه‌ای در مورد سیاست‌های امنیت ملی برای آنها قائل است، می‌توان به هنجارها، فرهنگ یا هویت‌ها اشاره کرد (کتزنشتاین، ۲۰۱۱: ۸۷). وی به رساله‌هایی که هنجارهای داخلی را مورد تأکید قرار داده‌اند پرداخته است. مثلاً رساله آلستر جانسون که به موضوع چین مائوئیستی پرداخته و نشان داده که چگونه یک هسته سخت واقع‌گرایانه در فرهنگ استراتژیک در سنت چینی‌ها سیاست‌های امنیتی چین را شکل داده است (جکسون، سورنسون، ۲۰۱۵: ۳۵۱، ۳۵۰) و یا رساله تامس‌یو برگر درباره ژاپن که نشان‌دهنده تغییر سیاست خارجی ژاپن از سیاست جنگ‌طلبی به سیاست صلح‌طلبی تحت تأثیر عوامل هنجاری داخلی است.

از نظر کتزنشتاین، این عوامل هنجاری داخلی، انتظارات دسته‌جمعی از یک هویت مفروض برای انجام رفتار مناسب هستند که بر بازتعریف منافع سیاست خارجی می‌توانند مؤثر باشند. مثلاً در روسیه دو نوع تفکر بر سر هویت ملی شوروی در جهان وجود دارد که این ایده‌ها می‌کوشند سیاست خارجی این کشور را شکل دهند و بر آن تأثیر گذارند و به این صورت موضع دوجهتین روسیه در قبال غرب فهم‌پذیر می‌شود. نحوه تأثیر این هنجارها هم به این صورت است که یا نخست هویت‌ها را تعریف می‌کنند یعنی باعث شکل‌گیری آنها می‌شوند و یا قواعدی را برای هویت‌هایی که از قبل قوام یافته‌اند، تجویز یا منع می‌کنند یعنی به این شیوه موجب تنظیم رفتارها می‌شوند. کتزنشتاین می‌نویسد که این عناصر هنجاری و فرهنگی و نهادی در محیط دولت‌ها به منافع و سیاست‌های امنیت ملی دولت‌ها شکل می‌دهند (کتزنشتاین، ۲۰۱۱: ۸۷-۸۸).

شاخص‌های هویت‌گرایی

همان‌طور که ذکر شد تأکید کتنشتاین بر تأثیر عوامل درونی از جمله فرهنگ روی منافع امنیت ملی دولت‌هاست، در حالی که عوامل فرهنگی و نهادی، علاوه بر دولت‌ها روی گروه‌های هویتی نیز مؤثر واقع شده است که به تبع آن، این گروه‌های هویتی روی تحولات سیاست بین‌الملل تأثیرگذار هستند. پژوهش حاضر پدیده راهپیمایی اربعین را با تمرکز بر گروه هویتی فراملی شیعیان مورد تحقیق قرار داده است. تأثیر عامل فرهنگ روی این گروه هویتی که باعث شده به بازتعریفی از دوران اوج تمدنی خود نزدیک شود، با عوامل زیر امکان‌پذیر شده است:

نهادهای

تعریفی که پژوهش حاضر از نهاد دنبال می‌کند تعریف مندراس است که نهاد را مجموعه هنجارها و نقش‌هایی که قانونیت و یا عدم قانونیت هر چیزی را در یک سازمان اجتماعی تعیین می‌کنند، می‌داند. هنجارها در این تعریف همان الگوها و شیوه‌های رفتاری دورکیم هستند. در این تعریف به منشأ یابی نهاد پرداخته نمی‌شود و آنچه هست مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

هویت

هویت مجموعه معانی هستند که در فرایند کنش و واکنش میان کنش‌گران شکل می‌گیرند و موجب شناسایی کنش‌گر، ایل، قوم یا ملت و مذهبی خاص می‌شود. هویت مفهومی مرتبط با همبستگی است که بنا به موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (ملی یا بین‌المللی) دگرگون می‌شود. در واقع کل مرکب و متحولی است که اجزا گوناگونی دارد و تداعی کننده ماهیت تغییرناپذیری نیست (آب‌خضر، ۲۰۱۴).

همبستگی

اما در فرهنگ علوم سیاسی، همبستگی به معنای همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه ملی یا بین‌المللی برای مترقی ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز است. همبستگی احساس مسئولیت متقابل بین افراد است و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنهاست.

تمدن‌سازی

در تعریف تمدن ذکر شد که تمدن هم با توجه به عناصر عینی مشترک مثل زبان، مذهب، تاریخ و نهادها و هم با توجه به همانندی‌های ذهنی و روحی انسان‌ها تعریف می‌شود. پس برای تمدن‌سازی باید مطابق با هدف، هرکدام از این عناصر مشترک را تقویت کرد.

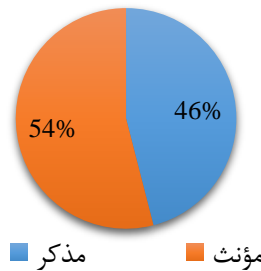
در نمودار زیر این چهار شاخص و آزمون نمونه‌های مشخص جامعه آماری شیعیان شرکت‌کننده در راهپیمایی اربعین آورده شده است:

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ژئوکالچر			
همبستگی:	هویت:	نهاد:	تمدن سازی
- فرامذهبی	- مذهب	- فروملی	
- فرانژادی	- عقیده‌گرایی	- ملی	
- فراجنسیتی		- فراملی	
- فراقومی			

نمودار ۱۲: شاخص‌ها و آزمون نمونه‌های پژوهش

دوم. تحلیل یافته‌های پژوهش

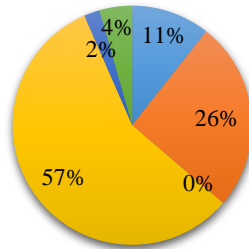
در جامعه آماری پژوهش حاضر که شرکت‌کنندگان در راهپیمایی اربعین هستند، طبق نمودار زیر، بیشترین فراوانی در متغیر جنسیت مربوط به خانم‌ها (۵۴٪، ۱۹۵ نفر) و کمترین فراوانی مربوط به آقایان (۴۶٪، ۱۶۶ نفر) است، تعداد ۲۳ نفر نیز به گزینه جنسیت پاسخی نداده‌اند.



نمودار ۳: توزیع جنسیت جامعه آماری

در این جامعه آماری، در خصوص متغیر تحصیلات نیز با توجه به نمودار زیر، ترتیب بیشترین فراوانی به کمترین فراوانی عبارت است از: ۵۰/۶٪ برابر با ۱۸۳ نفر با تحصیلات لیسانس، ۲۲/۷٪ برابر با ۸۲ نفر با تحصیلات دیپلم، ۱۱/۶٪ برابر با ۴۲ نفر با تحصیلات فوق لیسانس، ۹/۴٪ برابر با ۳۴ نفر زیردیپلم، ۳/۹٪ برابر با ۱۴ نفر با تحصیلات حوزوی و ۱/۹٪ برابر با ۷ نفر با تحصیلات دکتری. تعداد ۲۲ نفر نیز به این متغیر پاسخی نداده‌اند.

۱. الگوی ترسیم شاخص‌های مطرح شده، بر اساس جمع‌بندی مطالعات نویسندگان در خصوص تأثیر فرهنگ بر پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی است.

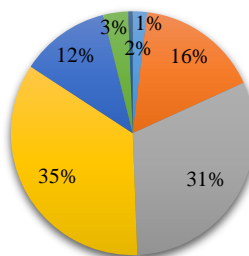


حوزوی ■ دکتری ■ لیسانس ■ فوق لیسانس ■ دیپلم ■ زیر دیپلم

نمودار ۴: توزیع میزان تحصیلات جامعه آماری

برای متغیر سن، تقسیم‌بندی سنی به این صورت است که از سن ۱۲ که کمترین سن شرکت‌کنندگان در نظرسنجی این جامعه آماری بود، تا ۱۷ سال با عدد ۱۷، از ۱۷ سال تا ۲۴ سال با عدد ۲۴، از ۲۴ سال تا ۳۴ سال با عدد ۳۴، از ۳۴ سال تا ۴۴ سال با عدد ۴۴، از ۴۴ تا ۵۴ سال با عدد ۶۴ و از ۶۴ سال تا ۷۴ سال که بیشترین سن شرکت‌کنندگان در نظرسنجی بود، با عدد ۷۴ نشان داده شود.

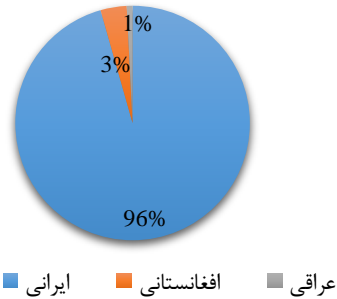
با اطلاعات مذکور، طبق نمودار زیر، بیشترین فراوانی برای سن، مربوط به رنج سنی ۳۴-۴۴ سال (برابر با ۳۳/۸٪ و ۱۲۶ نفر) و در درجه دوم مربوط به رنج سنی ۲۴-۳۴ سال (برابر با ۳۱/۲٪ و ۱۱۳ نفر) که جمعاً ۶۶٪ و نشانگر این است که بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان جوانان هستند و کمترین فراوانی نیز مربوط به رنج سنی ۶۴-۷۴ سال برابر با ۰/۶٪ و ۲ نفر می‌باشد. تعداد ۲۲ نفر نیز پاسخی به این گزینه نداده‌اند.



17 ■ 24 ■ 34 ■ 44 ■ 54 ■ 64 ■ 74

نمودار ۵: توزیع متغیر سن جامعه آماری

متغیر آخر در جامعه آماری پژوهش، تابعیت اعضای جامعه آماری است که از سه تابعیت ایرانی، افغان و عراقی طبق نمودار زیر، بیشترین فراوانی اعضای نظرسنجی ایرانی‌ها با ۹۵/۶٪ برابر با ۳۵۰ نفر می‌باشند. تعداد ۱۸ نفر نیز به این گزینه پاسخی نداده‌اند.



نمودار ۶: توزیع تابعیت جامعه آماری

همان طور که ذکر شد چهار شاخص نهاد، هویت، همبستگی و تمدن سازی برای پژوهش در جامعه آماری شیعیان شرکت کننده در راهپیمایی اربعین مدنظر قرار گرفته است. برای این که شاخص ها، عینیت یابند، سؤالاتی طراحی شد تا مورد ارزیابی قرار بگیرند. شاخص ها و گویه های پژوهش حاضر به ترتیب زیر است:

جدول ۱: توزیع شاخص های پژوهش

تعداد گویه	شاخص
۳	نهاد
۲	هویت
۴	همبستگی
۱	تمدن سازی

ارزیابی شاخص نهاد

نهادها به عنوان مجموعه ای از الگوها و هنجارهای سازمان یافته هستند که می توان در سه دسته گروه های فراملی، گروه های فراملی و گروه های ملی آنها را بررسی کرد.

اول: گروه های فراملی: گروه های فراملی براساس زمینه هایی مانند قومیت شکل می گیرند و شامل ویژگی هایی از جمله دیرینه گرایی، ابزار گرایی، برساخته گرایی، برتری طلبی هستند (سیدامامی، ۱۹۹۹). برای ارزیابی نظر افراد حاضر در راهپیمایی در مورد امکان و تحقق وحدت این گروه ها دو سؤال مطرح شده است که رصد پاسخ آنها قابل توجه است.

سؤال اول: «فضای انشقاق قومی و تکرر آن به عنوان مانعی برای هویت گرایی شیعی»

جدول ۲: توزیع فراوانی نهاد فروملی برای تكثر قومیت‌ها در کشورهای شیعه

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
چند فرهنگی	۴/۲٪ نمونه ۱۶	۱۲/۴٪ نمونه ۴۷	۱۹/۵٪ نمونه ۷۴	۱۵/۳٪ نمونه ۵۸	۴۸/۵٪ نمونه ۱۸۷	۹۸/۷٪ ۳۷۹ نمونه از ۳۸۴

همان‌طور که نتیجه نظرسنجی نشان می‌دهد، قریب ۶۴٪ بر کم‌تأثیر بودن عامل قومیت و تكثر آن برای شکل‌گیری تمدن و جغرافیای فرهنگی شیعی تأکید دارند. این نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان در راهپیمایی، پراکندگی قومیت‌ها در بستر هویت شیعی در درجه کم‌اهمیت‌تر از عناصر دیگر مانند ملیت و مذهب قرار می‌دهند.

سؤال دوم: «عظمت‌طلبی، قدسیت‌گرایی، قوم‌زدایی و وجود مرز زبانی» مانعی برای هویت‌گرایی شیعی

جدول ۳: توزیع فراوانی نهاد فروملی برای تكثر قومیت‌ها در فرهنگ‌های ملی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
چند فرهنگی	۱۱/۴٪ نمونه ۴۲	۲۲/۰٪ نمونه ۸۱	۳۰/۷٪ نمونه ۱۱۳	۲۰/۱٪ نمونه ۷۴	۱۵/۸٪ نمونه ۵۸	۹۸/۷٪ ۳۶۸ نمونه از ۳۸۴

در این سؤال، فرهنگ‌های ملی را که دربرگیرنده انواع قومیت‌ها و زبان‌ها و گویش‌ها هستند، مورد سنجش قرار داده‌ایم تا در این بُعد کوچک‌تر نظر افراد را جویا شویم. نتیجه نظرسنجی نشان می‌دهد که حدود ۳۵٪ بر تأثیرگذاری اندک تنوع قومیت‌ها با تمام ویژگی‌های آن تأکید دارند. از طرفی حدود ۳۴٪ نظر به تأثیرگذاری زیاد این عناصر بر منع شکل‌گیری هویت‌گرایی شیعی دارند. این نتیجه نشان می‌دهد که نظر جامعه آماری پژوهش بر این است که تأثیر عنصر قومیت در درون کشورها بیشتر از تأثیر پراکندگی آن در کشورهای شیعه‌نشین است. می‌توان نتیجه گرفت که از نظر افراد حاضر در راهپیمایی اربعین، عنصر قومیت در برابر ملیت، مهم‌تر اما در برابر هویت مذهبی شیعی در درجه دوم قرار می‌گیرد.

دوم: گروه‌های فراملی: در مورد قسمت دوم بررسی عامل نهادها، به گروه‌های فراملی می‌پردازیم. گروه‌های فراملی، از افرادی از کشورهای مختلف تشکیل می‌شوند و کاملاً مردمی و خارج از حیطه حاکمیت‌ها به فعالیت می‌پردازند. گروه‌های فراملی شیعیان نیز همان‌طور که از نامشان پیداست از شیعیان حاضر در کشورهای مختلف تشکیل می‌شوند که اگر به‌صورت فعالانه انجام وظیفه کنند، نقش آنها در شکل‌گیری هویت‌گرایی و جغرافیای فرهنگی شیعه مؤثر خواهد بود. برای آگاهی از نظر شرکت‌کنندگان در

راهپیمایی اربعین درباره فعالیت این گروه‌ها و شکل‌گیری وحدت فراملی توسط آنها، سه سؤال مطرح شده است.

سؤال اول: «ضرورت ائتلاف فرهنگی بین گروه‌های شیعی موجود در کشورها»

جدول ۴: توزیع فراوانی هم‌گرایی ذیل نهاد فراملی

متغیر	آری	خیر	مجموع نمونه معتبر از کل
هم‌گرایی بین‌المللی	٪۷۸/۸ نمونه ۳۳۷	٪۹/۶ نمونه ۳۷	٪۹۷/۴ نمونه ۳۷۴ از ۳۸۴

در این سؤال، ضرورت وحدت بین‌المللی شیعیان در قالب گروه‌های فراملی مورد ارزیابی قرار گرفت که ٪۷۸/۸ به ضرورت وحدت و ائتلاف گروه‌های فراملی شیعی از کشورهای مختلف تأکید دارند. از این نتیجه برمی‌آید که عنصر مشترک مذهب، تا حدود زیادی، می‌تواند اذهان را به سمت وحدت فرهنگی و به تبع آن، هویت‌گرایی شیعی هدایت کند.

سؤال دوم: «هم‌گرایی فراملی مستقل از دخالت دولت‌ها (به‌صورت NGO) مقوم هویت‌گرایی شیعی»

جدول ۵: توزیع فراوانی هم‌گرایی ذیل نهاد فراملی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
هم‌گرایی بین‌المللی	٪۲۹/۷ نمونه ۱۱۴	٪۳۱/۳ نمونه ۱۲۰	٪۲۱/۱ نمونه ۸۱	٪۹/۱ نمونه ۳۵	٪۴/۵ نمونه ۲۱	٪۹۶/۶ نمونه ۳۷۶ از ۳۸۴

از آنجا که یک اتحادیه بین‌ملتی شیعی می‌تواند مستقل از دخالت دولت‌ها فعالیت کند و اعضای آن می‌توانند از کشورهای مختلف با فرهنگ‌های مختلف گرد هم آیند، بنابراین نقش فرهنگ به وضوح روی چنین نهادی که هویتی شیعی دارد، قابل مشاهده است. در رابطه با نقش چنین اتحادیه‌ای در تقویت ژئوکالچر شیعه، نظر شرکت‌کنندگان در راهپیمایی مورد پژوهش قرار گرفت که ٪۶۰ با بالاترین فراوانی به اهمیت نقش این گروه مردمی تأکید داشتند و به‌نظر آنها اتحادیه بین‌ملتی نقش زیادی بر تحکیم هویت‌گرایی شیعی داشته است.

سؤال سوم: «نیل به وحدت فرهنگی شیعیان با ایجاد پیوند و عضویت گروه‌های فراملی»

جدول ۶: توزیع فراوانی هم‌گرایی ذیل نهاد فراملی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
هم‌گرایی بین‌المللی	۴۱/۹٪	۲۹/۲٪	۱۸٪	۴/۹٪	۳/۹٪	۳۷۶ نمونه از ۳۸۴

همان‌طور که در جدول آمده است، تعداد افرادی که غیر از اعتقاد به نقش مثبت گروه‌های فراملی شیعی برای رسیدن به هویت‌گرایی و در هم آمیختگی فرهنگی، بر نقش خود نیز تأکید دارند و آمادگی عضویت در این گروه‌ها و ایفای نقش را دارند، با ۷۱٪ بیشترین فراوانی را در بر می‌گیرد.

سوم: گروه‌های ملی: در قسمت سوم بررسی عامل نهادها، به حوزه ملی با محوریت نقش ایران برای بازسازی و تحکیم هویت‌گرایی شیعی پرداخته و جامعه آماری پژوهش درباره این موضوع در قالب سه سؤال مورد پژوهش قرار گرفته است.

سؤال اول: «اهمیت نقش ایران را در بازسازی هویت‌گرایی شیعی»

جدول ۷: توزیع فراوانی نهاد ملی با محوریت نقش حکومت

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
حکومت محوری	۵۴/۹٪	۳۰/۵٪	۹/۹٪	۲/۳٪	۱/۸٪	۳۸۲ نمونه از ۳۸۴

ایران به‌عنوان کشوری که نقش مهم و راهبردی از لحاظ سیاسی در بین کشورهای منطقه خاورمیانه دارد، در احیای هویت‌گرایی شیعی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. در این سؤال، اهمیت نقش ایران مورد آزمون قرار گرفته است که ۸۵٪ نمونه آماری پژوهش نقش ایران را بسیار مهم دانسته‌اند.

سؤال دوم: «امکان احیای هویت‌گرایی با تکیه بر عنصر هویتی به‌عنوان جزئی از هویت‌گرایی ایران (به‌عنوان هویت مادر در این سرزمین)»

جدول ۸: توزیع فراوانی نهاد ملی با محوریت نقش حکومت

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
حکومت محوری	۴۶/۶٪	۳۵/۲٪	۱۲٪	۲/۹٪	۱/۸٪	۳۷۸ نمونه از ۳۸۴

همان‌طور که هر حوزه هویتی شامل هویت‌های گوناگون است، حوزه هویتی ایران نیز هویت‌های متنوع را شامل می‌شود. تکیه بر یک هویت از میان هویت‌های گوناگون برای هدفی خاص صورت می‌گیرد. برای آگاهی از نظر نمونه پژوهش درباره ضرورت تکیه بر هویت شیعی از میان هویت‌های دیگر به منظور شکل‌گیری جغرافیای فرهنگی شیعه، این سؤال مطرح شده است که نتیجه حاصل این است که نزدیک به ۸۱٪ اعتقاد دارند که اہم‌دانستن هویت شیعی از میان هویت‌های دیگر، منجر به احیای هویت‌گرایی شیعی خواهد شد.

سؤال سوم: «بازسازی هویتی - هویت‌گرایی ایران»

جدول ۸: توزیع فراوانی نهاد ملی با محوریت نقش حکومت

متغیر	آری	خیر	مجموع نمونه معتبر از کل
حکومت محوری	۸۲٪ نمونه ۳۱۵	۱۴/۶٪ نمونه ۵۶	۹۶/۹٪ ۳۷۲ نمونه از ۳۸۴

ضرورت پافشاری ایران به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه، بر هویت شیعی را ۸۲٪ از جامعه آماری تأیید کرده‌اند.

ارزیابی شاخص هویت

جهان از موضوعات هویتی انباشته شده است که امروزه برجسته‌شدن این مسائل رو به افزایش است. همین امر در مورد خاورمیانه نیز صادق است. در این منطقه افراد هویت‌های مختلفی مانند قبیله، طایفه، منطقه، ملیت، مذهب، جنسیت، طبقه، نژاد، زبان، فرهنگ دارند. که از این میان هویت شیعی به‌عنوان هویت برجسته شیعیان با ملیت‌های گوناگون است که تحت تأثیر عواملی مانند وحدت شیعیان تقویت می‌یابد و تقویت آن یکی از اسباب بازسازی هویت‌گرایی شیعی خواهد بود. هویت شیعی در دو قالب مذهب و عقیده‌گرایی مورد بررسی قرار داده شده و پنج سؤال در این باره از جامعه آماری پرسیده شده است:

سؤال اول: «افول هویت‌گرایی شیعی»

جدول ۹: توزیع فراوانی هویت

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
هویت‌گرایی	۴/۲٪ نمونه ۱۶	۱۲/۲٪ نمونه ۴۷	۱۹/۳٪ نمونه ۷۴	۱۵/۱٪ نمونه ۵۸	۴۷/۹٪ نمونه ۱۸۴	۹۸/۷٪ ۳۷۹ نمونه از ۳۸۴

با شکل‌گیری نظام وستفالیایی و به رسمیت شناختن مرزهای سرزمینی، کشورهای مسلمان نیز از این اتفاق دور نبوده‌اند و در دهه‌های اخیر تفکر ملی‌گرایی در بین این کشورها گسترش پیدا کرد و باعث تفرقه میان شیعیان و برجسته‌شدن حس تعلق ملی در آنها و بالطبع کم‌رنگ‌شدن هویت شیعی آنها شد. با این پیش‌فرض این سؤال مطرح شد که نظر نمونه آماری در رابطه با افول هویت‌گرایی شیعی مورد ارزیابی قرار گیرد که حدود ۶۲٪ نظرشان بر این بود که هویت‌گرایی شیعی افول نیافته است و به سمت پیشرفت در حال حرکت است.

سؤال دوم: «نقش گروه‌های هویت‌گرا برای بازسازی و تحکیم جغرافیای فرهنگی شیعه»

جدول ۱۰: توزیع فراوانی هویت‌گرایی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
هویت‌گرایی	۲۵/۳٪ نمونه ۹۷	۳۱٪ نمونه ۱۱۹	۲۸/۱٪ نمونه ۱۰۸	۱۰/۹٪ نمونه ۴۹	۴/۴٪ نمونه ۱۷	۹۹/۷٪ نمونه ۳۸۳ از ۳۸۴

نقش شیعیان برای بازسازی و تحکیم جغرافیای فرهنگی شیعه موضوع این سؤال است که حدود ۵۶٪ معتقدند شیعیان توانسته‌اند که نقش اثرگذاری بر آن داشته باشند. و حدود ۴۴٪ معتقدند که نقش شیعیان در تحکیم حوزه هویت‌گرایی شیعی اثرگذار نبوده است و باید تلاش بیشتری در این عرصه صورت گیرد.

سؤال سوم: «راهپیمایی اربعین و احساس تعلق هویت‌گرایی»

جدول ۱۱: توزیع فراوانی هویت‌گرایی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
هویت‌گرایی	۵۴/۲٪ نمونه ۲۰۸	۲۶٪ نمونه ۱۰۰	۱۲/۲٪ نمونه ۴۷	۲/۶٪ نمونه ۱۰	۱/۳٪ نمونه ۹	۹۷/۴٪ نمونه ۳۷۴ از ۳۸۴

هویت‌های ملی به دلیل کثرت، می‌تواند یکی از موانع همبستگی تمدنی در حوزه جغرافیایی آنها باشد. برای ارزیابی نظر آنان درباره تأثیر راهپیمایی اربعین بر کم‌رنگ‌شدن هویت ملی و جایگزینی هویت شیعی، این سؤال مطرح شد که حدود ۸۰٪ معتقد به تأثیر مثبت این پدیده هستند.

سؤال چهارم: ارجحیت هویتی

جدول ۱۲: توزیع فراوانی هویت‌گرایی با دوگانه «هویت ملی» - «هویت شیعی»

متغیر	هویت ملی	هویت شیعی	مجموع نمونه معتبر از کل
هویت‌گرایی	۱۰/۷٪ نمونه ۴۱	۸۳/۱٪ نمونه ۳۱۹	۹۴٪ نمونه از ۳۸۴

افراد حاضر در راهپیمایی اربعین، به همان اندازه که بر تأثیر مثبت راهپیمایی اربعین بر برجسته شدن هویت شیعی تأکید داشتند، طبق نمودار، در انتخاب بین هویت ملی و هویت شیعی، هویت شیعی را برگزیدند. البته نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که طبق جدول، ۲۳ نفر از کل مجموعه آماری به این سؤال نتوانستند پاسخ دهند که این بیشترین تعداد سؤال بی‌پاسخ از بین تمام سؤالات حاضر در این پژوهش می‌باشد. طبق مشاهدات میدانی، این افراد نتوانستند میان هویت ملی و هویت شیعی دست به انتخاب و اولویت‌بندی بزنند که علت آن را باید در تحقیقات جداگانه‌ای به‌طور مفصل پژوهش کرد.

سؤال پنجم: «حساسیت کشورتان (خاصه دولت‌مردان و دستگاه سیاست‌گزاری آن) به تهدید، آزار و اذیت گروه‌های هویتی به‌وسیله حکومت‌های مرکزی»

جدول ۱۳: توزیع فراوانی عقیده‌گرایی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
عقیده‌گرایی	۴۶/۴٪ نمونه ۱۷۸	۲۵/۳٪ نمونه ۹۷	۱۴/۶٪ نمونه ۵۶	۶/۵٪ نمونه ۲۵	۳/۴٪ نمونه ۱۳	۹۶/۱٪ نمونه از ۳۸۴

هویت شیعی به‌عنوان هویت مشترک بین نمونه آماری، اقتضا می‌کند که همواره افراد درون این حوزه هویتی، نسبت به هم وضعیت همبستگی داشته باشند، به‌طوری که اگر در کشور دیگری گروه‌های شیعی با ملیت دیگر، از طرف حکومت مورد ظلم واقع شدند، این نیروی همبستگی موجب حساسیت و مطالبه از حکومت برای انتقال این حساسیت به حکومت ظالم و محکوم کردن ظلم باشد. در این سؤال، پرسیده شد که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، تا چه حد قائل به حساسیت کشورتان هستید که حدود ۷۲٪ حساسیت بالایی دستگاه سیاست‌گذاری‌شان را طلب کردند.

ارزیابی شاخص همبستگی

همبستگی نتیجه تحکیم سطح علایق و اعتقاد افراد به سرنوشت مشترک است که در گروه بزرگ شیعیان شرکت‌کننده در راهپیمایی اربعین، این عامل در سطوح فرزندادی - فرامذهبی - فراجنسیتی - فراقومی دیده می‌شود، چرا که از زنان و مردانی از نژادهای مختلف و از قومیت‌های مختلف، حتی با مذاهب مختلف گرد هم می‌آیند و این پدیده بزرگ را رقم می‌زنند. این همبستگی نتایجی را ممکن است برای جامعه شیعیان

بدنبال داشته باشد، نتایجی مانند افزایش امنیت و افزایش رفاه مردم. همچنین افزایش این وحدت و همبستگی میان شیعیان می‌تواند سبب افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در سال‌های آتی باشد. این موارد را در قالب چهار سؤال مورد ارزیابی قرار داده‌ایم:

سؤال اول: «دخالت گروه‌های شیعی، در رفع بحران‌های سیاسی در کشورهای مختلف»

جدول ۱۴: توزیع فراوانی همبستگی فراملی با محوریت رفاه

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
همبستگی فراملی	۴۷/۷٪ نمونه ۱۸۳	۳۲/۸٪ نمونه ۱۲۶	۱۳/۳٪ نمونه ۵۱	۱/۸٪ نمونه ۷	۲/۹٪ نمونه ۱۱	۹۸/۴٪ ۳۷۸ نمونه از ۳۸۴

گروه‌های شیعی فراملی برای حل‌شدن معضلات و مشکلات شهروندان در کشورهای مختلف شیعی، در قالب همبستگی ملیت‌های مختلف با نژادها و قومیت‌های متنوع و حتی مذاهب مختلف می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. این اتفاق به موافقت شهروندان بستگی دارد. به همین خاطر نظر آنها در این باره مورد سؤال واقع شد که طبق نمودار، موافقت ۸۰ درصدی آنان نتیجه این نظرسنجی است.

سؤال دوم: «راه‌پیمایی اربعین عاملی برای امنیت جهان شیعه»

جدول ۱۵: توزیع فراوانی همبستگی فراملی با محوریت امنیت

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
همبستگی فراملی	۶۴/۸٪ نمونه ۲۴۹	۲۲/۷٪ نمونه ۸۷	۷/۸٪ نمونه ۳۰	۲/۶٪ نمونه ۱۰	۰/۸٪ نمونه ۳	۹۸/۷٪ ۳۷۹ نمونه از ۳۸۴

همبستگی فراملی یکی از عوامل ایجاد امنیت و ثبات آن در عرصه بین‌الملل خواهد بود. در حوزه جغرافیایی شیعی، این مهم، با راه‌پیمایی اربعین می‌تواند تسریع شود. در این باره طبق جدول، ۸۷٪ درصد معتقد به توانایی این پدیده در همبستگی شیعیان و تأثیر این همبستگی بر تأمین امنیت جهان شیعه هستند.

سؤال سوم: «رابطه راه پیمایی اربعین و احتمال رفاه اقتصادی»

جدول ۱۶: توزیع فراوانی همبستگی فراملی با محوریت رفاه

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
همبستگی فراملی	۴۳٪ نمونه ۱۶۵	۳۲/۸٪ نمونه ۱۲۶	۱۳/۸٪ نمونه ۵۳	۴/۷٪ نمونه ۱۸	۴/۹٪ نمونه ۱۹	۹۹/۲٪ ۳۸۱ نمونه از ۳۸۴

از آن جا که راهپیمایی اربعین به عرصه تمرینی برای نوعی از مالکیت اشتراکی از نوع ایثار، تبدیل شده است، و الگویی از این دست در آن به وجود آمده است، می توان از آن به عنوان الگویی از همبستگی و تعاون اقتصادی نام برد. این موضوع در قالب سؤال مورد ارزیابی قرار گرفت که نتیجه آن طبق جدول، موافقت ۷۵ درصدی با اثرگذاری مثبت پدیده راهپیمایی اربعین بر احتمال رفاه مردم از طریق الگوی مشارکت اقتصادی از نوع تمرین ایثار است.

سؤال چهارم: «امکان سرایت الگوی همگرایی اربعین در تمام گروه های هویت گرای شیعه»

جدول ۱۷: توزیع فراوانی همبستگی فراملی با دوگانه افزایش همبستگی و ثابت ماندن وضع موجود

متغیر	آری	خیر	مجموع نمونه معتبر از کل
افزایش همبستگی	۹۴/۳٪ نمونه ۳۶۲	۴/۲٪ نمونه ۱۶	۹۸/۴٪ ۳۷۸ نمونه

افزایش جمعیت راهپیمایی کنندگان اربعین، مستلزم همبستگی گروه های نژادی و قومی زبانی مختلف شیعی فارغ از جنسیت است. با توجه به این موضوع، سؤال درباره افزایش جمعیت این راهپیمایی پرسیده شد که طبق نمودار ۹۴٪ نظر به افزایش آن در آینده دارند و امکان تحقق آن در تمام گروه های هویت گرای شیعی را محتمل می دانند.

سؤال پنجم: «راه پیمایی اربعین؛ رابطه بین هویت گرای و زندگی مسالمت آمیز ادیان»

جدول ۱۸: توزیع فراوانی همبستگی فراملی با محوریت مذهب

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
همبستگی فرامذهبی	۴۱/۴٪ نمونه ۱۵۹	۳۰/۷٪ نمونه ۱۱۸	۲۰/۸٪ نمونه ۸۰	۴/۹٪ نمونه ۱۹	۱/۰٪ نمونه ۴	۹۹٪ ۳۸۰ نمونه از ۳۸۴

حدوداً ۷۰٪ جامعه آماری بر این باورند که پدیده راهپیمایی اربعین، امکان تحقق پذیرش تمدن شیعی از جانب سایر ادیان، جامعه‌پذیری دینی و داشتن زندگی مسالمت‌آمیز ادیان و مذاهب الهی با یکدیگر وجود دارد.

ارزیابی شاخص تمدن‌سازی

در تعریف تمدن ذکر شد که تمدن هم باتوجه به عناصر عینی مشترک مثل زبان، مذهب، تاریخ و نهادها و هم باتوجه به همانندی‌های ذهنی و روحی انسان‌ها تعریف می‌شود. برای تمدن‌سازی باید مطابق با هدف، هرکدام از عناصر مشترک که برای تعریف تمدن خاص، ضروری است مورد توجه قرار گیرد. در هویت‌گرایی شیعی، عنصر مشترک، مذهب شیعه است. از آنجا که همگرایی شیعیان در قالب هویت شیعی، مستلزم پررنگ شدن عنصر هویت به‌عنوان عاملی برای شکل‌گیری هویت مادر در آنهاست، همبستگی به‌عنوان راهی برای تقویت هویت شیعی در شیعیان در اولویت قرار می‌گیرد. نظر جامعه آماری را در این باره جویا شده‌ایم:

سؤال اول: «افزایش همبستگی بین گروه‌های شیعی»

جدول ۱۹: توزیع فراوانی تمدنی در راستای همبستگی فراملی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
همبستگی تمدنی	۶۷/۷٪ نمونه ۲۶۰	۲۲/۴٪ نمونه ۷۶	۶/۸٪ نمونه ۲۶	۱/۶٪ نمونه ۶	۰/۵٪ نمونه ۲	۹۹٪ ۳۸۰ نمونه از ۳۸۴

در این سؤال تأثیر پدیده راهپیمایی اربعین بر شکل‌گیری و بازسازی تمدن شیعی مورد ارزیابی قرار داده‌ایم که طبق نمودار حدود ۹۰٪ به مثبت بودن این تأثیر تأکید کرده‌اند.

سؤال دوم: «مرز عقیدتی و همگرایی تمدنی»

جدول ۲۰: توزیع فراوانی تمدن‌گرایی برای ایجاد همبستگی

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع نمونه معتبر از کل
همبستگی تمدنی	۴۴/۳٪ نمونه ۱۷۰	۲۲/۷٪ نمونه ۸۷	۱۲/۸٪ نمونه ۴۹	۸/۱٪ نمونه ۳۱	۱۱/۲٪ نمونه ۴۳	۹۹٪ ۳۸۰ نمونه از ۳۸۴

در این سؤال نیز، نظر شرکت‌کنندگان در راهپیمایی اربعین در خصوص همبستگی تمدنی برای ایجاد همبستگی میان شیعیان که شکل‌گیری حوزه تمدن نوین شیعی را به‌دنبال خواهد داشت، پرسیده شده است،

که حدود ۶۷٪ نظر مثبتی در این باره داشته‌اند. مقایسه نتیجه این سؤال با نتیجه سؤال قبل نشان می‌دهد که این جامعه آماری، تأثیر راهپیمایی اربعین را در ایجاد همبستگی مهم می‌دانند اما خود، درباره از بین رفتن مرزها برای تشکیل این همبستگی و تمدن‌سازی نوین تردید داشته و قاطعیت کمتری در این زمینه دارند.

نتیجه‌گیری

از آنجا که بنظر می‌آمد پدیده راهپیمایی اربعین، سبب شکل‌گیری ژئوکالچر شیعه و بازتعریف حوزه تمدنی نوین شیعه شده است، پژوهش حاضر برای پاسخ به این موضوع، با در نظر گرفتن چهار شاخص همبستگی، هویت، تمدن‌سازی و نهادها و طرح سؤالاتی در این زمینه‌ها، به ارزیابی شکل‌گیری ژئوکالچر شیعه از نظر جامعه آماری شرکت‌کنندگان در راهپیمایی اربعین پرداخت. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد اکثر پاسخ دهندگان حاضر در راهپیمایی اربعین، تکثر قومیت‌ها و نژادها و زبان‌ها را مانعی برای تشکیل حوزه تمدنی شیعی نمی‌دانند. آنها هویت شیعی را، عنصر مشترک میان خود با ملیت‌های گوناگون می‌دانند و تقویت آن را با پدیده‌ای مردمی همچون راهپیمایی اربعین، عامل همبستگی و همچنین مسبب و تسریع‌بخش در شکل‌گیری جغرافیای فرهنگی شیعه مؤثر تلقی کرده و بر نقش خود به‌عنوان کنش‌گران جامعه بین‌المللی در به‌وجود آمدن حوزه هویت‌گرای نوین شیعی باور دارند. بر اساس این باور و آمادگی موجود در جامعه آماری پژوهش، افزایش همبستگی بین‌المللی در آینده محتمل به‌نظر می‌رسد که این وحدت اگر با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه شود سبب دوام جغرافیای فرهنگی گروه‌های هویت‌گرا خواهد بود. در تحقیق حاضر، اکثریت جامعه آماری را ایرانیان تشکیل داده بودند، برای دقت نظر بیشتر در این زمینه نیاز به نظرسنجی از پاسخ دهندگانی با ملیت‌های بیشتر است که با این رویکرد در پژوهش‌های آتی می‌توان به نظر دقیق‌تری نائل آمد.

References

- Abkhezr, Asgar & Motafaker, Hussain (2014), “A Study of the Impact of National Ceremonies and Occasions on Reinforcing National Unity and Cohesion With an Emphasis on Social Training of the Youth”, *Bi-Quarterly Journal of Cultural Protection of the Islamic Revolution*, 4(9), 139-142. (In Persian)
- Ali Babaei, Yahya (1999), “Is Religion a Social Institution?” *Journal of social Science*, No. 13, 128-109. (In Persian)
- Buzan, Barry (1992), *Geopolitics and Geoculture: Essays on the Changing World*, Cambridge University Press.
- Ghasemi, Farhad (2010), *Principles of International Relations*, Tehran: Mizan. (In Persian)

- Ghasemi, Farhad (2015), *Theories of International Relations and Regional Studies*, Tehran: Mizan. (In Persian)
- Heidari, Gholamhossein (2005), “Cultural Geopolitics or Geoculture”, Scientific Congress of the Iranian Geopolitical Association, No. 1, 93-116. (In Persian)
- Jackson, Robert & Sorensen, Georg (2016), *Introduction to international relations*, translated by Mehdi Zkerian and and etal, Tehran: Mizan.
- Katzenstein, Peter J (2011), *The culture of national security: norms and identity in world politics* (volume1), Translated by Mohammad Hadi Semati, Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Katzenstein, Peter J (2011), *The culture of national security: norms and identity in world politics* (volume2), Translated by Mohammad Hadi Semati, Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Mohammadi, Hamid Reza; Salimnejad, Nadimeh; Ahmadi, Ebrahim (2017), “Redefinition of geopolitics of shia (by emphasizing on demonstration of Arba'een)”, Scientific-International and International Journal of the Geographical Society of Iran, Vol 52 Issue 15, 103-120. (In Persian)
- Morgenthau, Hans G. (2010), *Politics among Nations*, translated by Homeira Moshirzadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Moshirzadeh, Homeira (2004), “Structuralism as a Trans-Theory of International Relations”, Journal of Politics, Faculty of Law and Political Science (University of Tehran), 65, 144-113. (In Persian)
- Moshirzadeh, Homeira (2012), *Evolution in Theories of International Relations*, Tehran: Samt. (In Persian)
- Rahmati, Reza (2020), “Geo-Economics and Reshaping the Regional Order” (Nordic, Southeast Asia and MENA), International Political Economy Studies, Volume 3, Issue 1, 151-179. (In Persian)
- Scott, Burchill; Linklater, Andrew; Devetak, Richard; Donnelly, Jack; Paterson, Matthew (2011), *Theories of international relation*, translated by Homeira Moshirzadeh and Ruhollah Talebi Arani. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Seyed Emami, Kavous (2009), "Where do ethnic identities arise? an overview of the main theories", First Line Quarterly, No.7, 15-32. (In Persian)
- Taheri, Massoud; Heydari, Gholam Hassan; Ezzati, Ezzatullah (2018), "Analysis of global power equations in the context of geoculture; Confrontation, Competition or Cooperation", Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, No. 4, 164-192. (In Persian)
- Zahed Ghafari Hashjin & Mohammad Aghaei (2018), “Arba'een Pilgrimage as a Social Movement”, Political Knowledge, Vol. 14, No.1, 1-21. (In Persian)